



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

تاریخ: ۸ دی ۱۳۹۳

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

مصادف با: ۶ ربیع‌الاول ۱۴۳۶

موضوع جزئی: روش تفسیری علمی (تنقیح موضوع بحث)

جلسه: ۷

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تنقیح موضوع بحث

در جلسه گذشته اجمالاً درباره جهات اهمیت بحث از روش تفسیری علمی و همچنین موضوع بحث مطالبی را عرض کردیم. آنچه امروز قصد داریم به آن بپردازیم اصطلاحات و اطلاقات متعدد تفسیر علمی است چون همان طور که اشاره کردیم مقصود کابران واژه روش تفسیر علمی یکسان نیست، این واژه را در لابلائی کلمات و عبارات به معانی مختلف مشاهده می‌کنیم لذا آشنایی با این اصطلاح (روش تفسیری علمی) لازم است تا دقیقاً معلوم شود آنچه متعلق نفی و اثبات قرار می‌گیرد کدام معنا و کدام اصطلاح است.

معانی تفسیر علمی

معنای اول

معنای اول این است که نظریه‌های علمی از قرآن استفاده شود، یعنی نظریه‌هایی که در علوم مختلف چه در علوم طبیعی و چه در علوم عقلی وجود دارند به قرآن تحمیل شود؛ مثلاً فرض کنید کسی از متکلمین یا فلاسفه یا حتی از عالمان طبیعی و علوم انسانی که از علمی است که از اختراعات بشر است، نظریه‌ای در آن علم مربوطه دارد و در صدد آن نظریه را بر قرآن تطبیق یا تحمیل کند. به عبارت دیگر شخص تلاش کند ظاهر یک آیه را بر نظریه خودش در فلسفه و حکمت یا طبیعیات منطبق کند و حتی ممکن است در این رابطه گرفتار تأویل شود، یعنی ظاهر آیه را نتواند بر نظریه خودش منطبق کند اما به کمک قرائن و شواهد غیر آشکار، نظر خودش را بر آیه تطبیق دهد و آیه را به گونه‌ای تأویل کند که بر نظرش منطبق شود. پس معنای اول این است که شخص، نظریه‌های علمی را با آیات قرآن تطبیق دهد و عقیده و رأی و نظر خودش را از آیات استخراج کند و آیاتی که با نظر او مخالف باشد تأویل کند. البته به نظر بعضی مثل علامه طباطبایی (ره) گذاشتن نام تطبیق بر این روش سزاوارتر است تا عنوان تفسیر بر آن گذاشته شود.^۱

معلوم است که این معنا با آنچه موضوع بحث است متفاوت می‌باشد، چرا که این اصطلاح شامل تطبیق نظریات فلسفی و کلامی بر قرآن هم می‌شود در حالی که مقصود ما از تفسیر علمی، تفسیر مبتنی بر قواعد و قوانین علوم تجربی و طبیعی بر آیات قرآن است.

معنای دوم

معنای دوم این است که ما از علوم مختلف برای فهم آیات قرآن استفاده کنیم؛ به تعبیر دیگر علوم دیگر را برای تفسیر قرآن به استخدام در آوریم. استخدام علوم در واقع به این معناست که مثلاً از علمی مثل کلام، فلسفه، علوم تجربی و طبیعی و علوم

^۱ تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۹، ذیل آیه ۳۰ سوره انبیاء.

انسانی کمک بگیریم تا یک آیه‌ای را تفسیر کنیم. این اصطلاح در بعضی از کلمات مشاهده می‌شود که بیشتر به جنبه استخدای علوم در تفسیر قرآن نظر دارند.

معنای سوم

معنای دیگر تفسیر علمی استخراج علوم مختلف از قرآن است، یعنی آیات را به حسب آنچه متفاهم از آنهاست معنا می‌کنیم ولی نه چیزی را بر قرآن تحمیل می‌کنیم، نه علمی را در خدمت تفسیر قرار می‌دهیم بلکه اساس را بر آیات قرآن می‌گذاریم لکن از این آیات علوم و قضایا و قوانین را استخراج می‌کنیم؛ به عبارت دیگر بر خلاف اصطلاح اول، در اینجا چیزی بر قرآن تحمیل نمی‌شود و عقاید و نظریات شخص مفسر از قرآن استفاده نمی‌گردد بلکه آنچه در قرآن بیان شده را بر علوم دیگر تطبیق می‌دهیم و علوم مختلف را از قرآن استخراج می‌کنیم در واقع این اصطلاح به عکس اصطلاح اول است. این اصطلاح هم در کلمات بعضی ذکر شده از جمله غزالی که معتقد است چندین هزار علم در قرآن وجود دارد که هنوز خیلی از آنها برای ما معلوم نیست و باید آنها را از قرآن استخراج کرد.

معنای چهارم

متجاوز از ۱۳۰۰ از آیات قرآن درباره اسرار طبیعت بیان شده و منظور از روش تفسیری علمی این است که انسان این قضایا و قوانین را بر آنچه در این عالم وجود دارد منطبق کند و بخواهد با استفاده از کشفیات بشری و تجربه بشری این آیات را تفسیر کند.

این اصطلاحات چهارگانه که برای تفسیر علمی ذکر شده شاید در یک جهت مشترک باشند و آن اینکه همه به دنبال اثبات اعجاز علمی قرآن می‌باشند، یعنی به دنبال این هستند که قرآن در زمانی که نازل شد مطالبی در آن بیان شده که پس از گذشت این همه سال که از نزول آن می‌گذرد بشر به مرور آنها را کشف کرده است. هدف اصلی اکثر این گروهها یعنی چه متکلمین و فلاسفه و عالمان طبیعی که می‌خواهند نظریات خود را تطبیق کنند، چه آنها که در صدد استخراج علوم مختلف از قرآن هستند و چه آنها که می‌خواهند با استفاده از کشفیات و تجربیات بشری بعضی از آیات را تفسیر کنند، این است که به نوعی می‌خواهند اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند. البته روشن است که استخدام علوم مختلف برای فهم قرآن به هدف اثبات اعجاز علمی قرآن نیست، چون کسی که علوم مختلف را به استخدام بگیرد تا بخواهد آیه‌ای را بفهمد، نمی‌تواند در صدد اثبات اعجاز علمی قرآن باشد اما بر اساس سایر اصطلاحات می‌توان گفت یک هدف مشترک در همه اینها وجود دارد و آن هم این است که قرآن یک معجزه است. اعجاز قرآن وجوه مختلفی دارد که یکی از آنها مسائل علمی است اعم از علوم تجربی و علوم عقلی و فلسفی.

موضوع بحث

اصطلاحات چهارگانه‌ای که بیان شد در کتب مختلف به آنها اشاره شده ولی این اصطلاحات موضوع بحث ما نبوده و با آنچه مورد نظر ماست فرق دارد، چون ما در صدد هستیم که ببینیم نسبت قرآن با علوم طبیعی و علوم انسانی چگونه است. اصطلاحاً علوم تجربی به علمی گفته می‌شود که با طبیعت و اسرار طبیعت سر و کار دارد اما به علمی مثل علم سیاست، علم اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و امثال آن که موضوع آن انسان است علوم انسانی اطلاق می‌شود ولی اصطلاح علوم جدید که اکنون شایع است اعم از علوم تجربی به معنای مصطلحش و علوم انسانی به معنای مصطلحش، است و همه اینها را در بر

می‌گیرد، در حال حاضر تلاشهای زیادی در جهت هماهنگ‌سازی بعضی از قواعد علوم تجربی با قرآن صورت می‌گیرد، ضمن اینکه عده‌ای هم در صدد انطباق بسیاری از قواعد و قضایای علوم انسانی با آیات قرآن یا استفاده این قواعد و قوانین از آیات قرآن هستند.

پس با توجه به اینکه از یک طرف آیات قرآن وجود دارد و از یک طرف علوم جدید (اعم از تجربی به معنای خاص و انسانی) ما در صدد این هستیم که بفهمیم چه نسبتی بین علوم تجربی و انسانی و تفسیر قرآن وجود دارد؟ آیا این علوم را برای فهم آیات باید به استخدام بگیریم یا اینکه این علوم را از قرآن استخراج کنیم یا اینکه آیات قرآن را بر علوم مختلف تطبیق کنیم؟ بالاخره باید بفهمیم رابطه و نسبت آیات قرآن با علوم جدید چگونه است؟ اینکه بخواهیم یک نظریه فلسفی یا کلامی را بر آیات قرآن منطبق کنیم، تفسیر نیست و شاید در یک مواردی به تفسیر به رأی منجر شود.

پس رابطه آیات قرآن و علوم مختلف در دو دایره مورد بحث واقع می‌شود؛ گاهی این دایره محدود است و گاهی گسترده، زیرا گاهی تفسیر علمی قرآن را فقط مختص علوم طبیعی می‌دانیم و می‌گوییم تفسیر علمی قرآن عبارت است از آنچه که قرآن به عنوان اسرار طبیعت اشاره می‌کند و ما در صدد کشف آن هستیم. لکن گاهی دایره این علوم گسترده‌تر است و مختص علوم تجربی نیست بلکه شامل علوم انسانی به معنای مصطلح هم می‌شود.

تفسیر علمی قرآن به معنای خاصش که فقط شامل علوم تجربی می‌شود و شهرت بیشتری دارد و در گذشته هم سابقه دارد، از اوایل دوره اسلامی وجود داشته است. ادوار مختلفی برای این تفسیر ذکر شده که ان شاء الله در جلسه آینده اشاره مختصری به این ادوار خواهیم داشت و سپس به ادله موافقان و مخالفان روش تفسیری علمی خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»